



محمد حقانی عضو پیشین شورای شهر تهران از لزوم شفافیت و نظام ارزیابی عملکرد می گوید

سیاست‌زدایی از سیاست‌گذاری مدیریت شهری

گفت و گو

در آستانه برگزاری انتخابات شوراهای شهر، مسأله کیفیت حکمرانی محلی بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است. شهورها نیازمند تصمیم‌های مبتنی بر داده، مدیران شایسته و برنامه‌های پایدارند؛ اما سیاست‌زدگی جناحی می‌تواند این مسیر را با بی‌ثباتی و گسست روبه‌رو کند. در واقع غلبه رقابت‌های جناحی بر تصمیم‌های فنی، مسیر توسعه پایدار شهورها را ناهموار کرده است. حال پرسش این است که چگونه می‌توان میان سیاست‌گذاری عمومی و سیاست‌زدگی جناحی مرزی روشن ترسیم کرد و مدیریت شهری را به ریل شایسته‌سالاری و پاسخگویی بازگرداند؟ محمد حقانی، عضو شورای شهر چهارم تهران که سابقه معاون شهرداری تهران را نیز در کارنامه خود دارد، در گفت‌وگو با روزنامه «ایران»، سیاست‌زدایی را راهبردی برای ارتقای کیفیت حکمرانی محلی دانسته و بر ضرورت اصلاح سازکارهای انتصاب، ارزیابی عملکرد و تقویت بدنه حرفه‌ای شهرداری‌ها تأکید می‌کند. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید.

برای سیاست‌زدایی از مدیریت شهری چه باید کرد و از نگاه شما «سیاست‌زدایی» در مدیریت شهری دقیقاً به چه معناست؟
در روزگاری که شهورها به کانون اصلی زیست‌تاب‌های اجتماعی و فرهنگی بدل شده‌اند، مدیریت شهری بیش از هر زمان دیگر نیازمند ثبات، تخصص و اعتماد عمومی است. با این حال، آنچه گاه این مسیر را ناهموار می‌کند، غلبه نگاه‌های جناحی و رقابت‌های سیاسی بر سازکارهای حرفه‌ای اداره شهر است. این روز، «سیاست‌زدایی» در مدیریت شهری به‌عنوان یک مطالبه جدی و یک ضرورت راهبردی مطرح می‌شود. سیاست‌زدایی به معنای حذف سیاست از شهر نیست، بلکه به معنای کاستن از «سیاست‌زدگی» است؛ یعنی جلوگیری از آن‌که تصمیم‌های فنی و اجرایی به میدان رقابت‌های جناحی بدل شوند و منافع کوتاه‌مدت سیاسی بر مصالح بلندمدت شهر چیره شود.

سیاست‌زدایی، در معنای دقیق خود، یعنی حاکمیت عقلانیت بر اداره شهر؛ یعنی پروژه‌های عمرانی، حمل‌ونقل، محیط زیست و خدمات شهری، بر اساس مطالعات کارشناسی و نیازهای

همزمان با حضور ریادار ایرانی در هندوستان

ایران به رزمایش میلان ۲۰۲۶ پیوست



دفاعی

امیر دریادار شهرام ایرانی فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به منظور شرکت در سه رویداد: نشست سرن اینونز (IONS)، رزمایش دریایی میلان ۲۰۲۶ و برنامه بازدید ناوگان بین‌المللی IFR به دهلئ تو سفر کرده است. رزمایش میلان هر دو سال در یکی از بنادر مهم هند برگزار شده و نیروی دریایی بیش از ۷۰ کشور جهان در آن شرکت می‌کنند. سیزدهمین دور این رزمایش ۶ اسفند امسال و در بندر ویشتاخاتام هند و در آب‌های خلیج بنگال برگزار می‌شود. نیروی دریایی هند هدف از این رزمایش را تقویت پیوندهای حرفه‌ای، به اشتراک گذاشتن بهترین شیوه‌های عملیات دریایی و افزایش همکاری کشورها در حوزه دریاعنوان کرده است. در همین راستا ناوشکن «دنا» روز گذشته به منظور شرکت در رزمایش میلان ۲۰۲۶ در بندر ویشتاخاتام پهلو گرفت. این طور که نیروی دریایی ارتش اعلام کرده، حضور ناوشکن «دنا» در این رویداد بین‌المللی، در راستای توسعه دیپلماسی دریایی، گسترش تعاملات دفاعی و نمایش توانمندی‌های عملیاتی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در عرصه آب‌های آزاد ارزیابی می‌شود. از سوی دیگر، برنامه بازدید ناوگان بین‌المللی IFR نیز یک رویداد به ابتکار هند است که هر ده سال یکبار در یکی از بنادر هند برگزار شده و این کشور از ناوگان‌های دریایی کشورهای متحد خود برای شرکت در آن و به اشتراک گذاشتن تجربیات خود دعوت می‌کند. این دومین رزمایش مشترک دریایی ایران با دیگر کشورها، در روزهای دریاست. فته گذشته نیز نیروهای دریایی ایران و روسیه، رزمایش مشترکی را در دریای عمان و شمال اقیانوس هند برگزار کردند. در همین راستا، روز پنجشنبه هفته گذشته یگان‌های شناور و پرواز و تیم‌های عملیات ویژه نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، نیروی دریایی سپاه پاسداران و روسیه، عملیات آزادسازی کشتی ریزوده شده را تمرین کردند. در این مرحله، پس از ارسال پیام اضطراری کشتی‌های تجاری به مرکز MRCC بندرعباس، ابتدا منطقه عملیات توسط یک فروند بالگرد SH3D نیروی دریایی ارتش و یک فروند بالگرد بل ۴۱۲ سپاه مورد شناسایی و جست‌وجو قرار گرفت و سپس ناوشکن «الوند» به عنوان ناو سرفرماندهی و جست‌وجو، شناورهای رزمی مستقر در منطقه را برای اجرای عملیات در ادامه نیز نیروهای عملیات ویژه ارتش و سپاه با مشارکت نیروهای عملیات ویژه نیروی دریایی روسیه از هوا و سطح عملیات تصرف را انجام داد و پس از دستگیری دزدان دریایی، عملیات آزادسازی کشتی را با موفقیت اجرا کردند. ناوشکن سرفرماندهی الوند، ناوشکن‌انداز نیزه، ناو موشک‌انداز خنجر، بالگرد SH3D، لندینگ‌کرافت، تیم‌های عملیات ویژه و شناورهای هجومی ریب و رعد از نیروی دریایی ارتش ایران، ناو شهید صیاد، شناورهای کلاس تندر و قایق‌های هجومی و تیم‌های عملیات ویژه و بالگرد بل ۴۱۲ از نیروی دریایی سپاه و ناو بالگردبر استویسکی از روسیه در این مرحله از رزمایش حضور داشتند.

دگرگونی‌های شتاب‌زده نشود.

پنجم، تقویت مشارکت واقعی شهروندان. هرچه تصمیم‌ها با حضور و مشارکت عمومی باشد، شهرز انحصار حلقه‌های محدود سیاسی خارج و بی‌عرصه هم‌اندیشی جمعی بدل می‌شود. در نهایت، سیاست‌زدایی راهبردی برای ارتقای کیفیت حکمرانی محلی است. بازگرداندن مدیریت شهری به مدار عقلانیت، تخصص و پاسخگویی است. ضرورتی برای آینده شهر و کیفیت بهتر زندگی شهروندان است.

مرز میان «سیاست‌گذاری عمومی» و «سیاست‌زدگی جناحی» در اداره شهر کجاست؟
آیا اساساً مدیریت شهری می‌تواند کاملاً غیرسیاسی باشد؟
شهر، صرفاً مجموعه‌ای از خیابان‌ها، ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها نیست؛ شهر، صحنه زیست مشترک و تبادور اراده جمعی است. هر تصمیم درباره توسعه یک بزرگراه، احیای یک بافت فرسوده، تعیین عوارض شهری یا گسترش حمل‌ونقل عمومی، در حقیقت تصمیمی درباره کیفیت زندگی شهروندان و توزیع فرصت‌هاست. از همین رو، مدیریت شهری ناگزیر با «امر سیاسی» پیوند دارد. اما میان شهروندان و تصمیم‌گیری مردمی، و پژوهش باشد. شهری که با آمار و پروژهای بانک‌های اطلاعاتی منسجم و ارزیابی‌های پیش و پس از اجرا اداره شود، کمتر در معرض تصمیم‌های سلیقه‌ای و سیاسی قرار می‌گیرد. سوم، شفافیت مالی و پاسخگویی مستمر. انتشار عمومی بودجه‌ها، قراردادهای فرآیندهای مناقصه، زمین‌ه برای نظارت شهروندان، رسانه‌ها و نهادهای مدنی فراهم می‌آورد و امکان استفاده ابرازی از منابع شهری را کاهش می‌دهد.

چهارم، تثبیت برنامه‌های بلندمدت توسعه شهری. شهر نیازمند افق‌های پایدار است؛ اسناد راهبردی‌ها و پاسخگویی در برابر افکار عمومی.

در برابر این رویکرد، سیاست‌زدگی جناحی قرار دارد؛ وضعیتی که در آن مدیریت شهر از مدار منافع عمومی خارج و به عرصه تسویه‌حساب‌ها و رقابت‌های کوتاه‌مدت سیاسی بدل می‌شود. در این وضعیت، پروژه‌ها نه از نیازهای واقعی شهر، بلکه از دل ضرورت‌های تبلیغاتی و انتخاباتی زاده می‌شوند؛ و برنامه‌های بلندمدت با هر تغییر سیاسی دستخوش گسست و بی‌ثباتی می‌گردند. مرز دقیق میان سیاست‌گذاری عمومی و سیاست‌زدگی جناحی، در «جهت‌گیری» نفته است.

اگر تصمیمات شهری بر پایه منافع قابل دفاع عمومی اتخاذ شود، با سیاست‌گذاری درست روبه‌رو هستیم؛ اما اگر معیار اصلی، کسب امتیاز جناحی، یا تأمین منافع کوتاه‌مدت سیاسی باشد، وارد قلمرو سیاست‌زدگی می‌شویم. شهر، خانه مشترک شهروندان است و مدیریت آن، امراتی در دست کارگزاران عمومی. نه می‌توان آن را از سیاست تهی کرد و نه رواست که آن را به سیاست‌زدگی آلوده ساخت. هنر حکمرانی شهری در برقراری توازن میان این دو است.

به نظر شما یا توجه به مباحثی که به بالا اشاره کردید، چه اصلاحات نهادی می‌تواند به تقویت شایسته‌سالاری در مدیریت شهری کمک کند؟

تجربه بسیاری از شهورها نشان می‌دهد ضعف شایسته سالاری و غلبه ملاحظات غیرحرفه‌ای در انتصابات و تصمیم‌گیری‌ها، یکی از مهم‌ترین موانع کارآمدی و اعتماد عمومی است. حال چه کنیم شایسته‌سالاری به قاعده‌ای پایدار در مدیریت شهری بدل شود. اولین گام، طراحی سازوکاری روشن، رقابتی و شفاف برای انتخاب مدیران شهری است. تعریف معیارهای تخصصی،



تجربه حرفه‌ای، سوابق اجرایی و توانمندی‌های مدیریتی، باید پیشاپیش اعلام و مبنای ارزیابی قرار گیرد. انتشار عمومی رزومه نامزدها و ارائه برنامه‌های رقابت‌های کوتاه‌مدت سیاسی بدل می‌شود. در این وضعیت، پروژه‌ها نه از نیازهای واقعی شهر، بلکه از دل ضرورت‌های تبلیغاتی و انتخاباتی زاده می‌شوند؛ و برنامه‌های بلندمدت با هر تغییر سیاسی دستخوش گسست و بی‌ثباتی می‌گردند. مرز دقیق میان سیاست‌گذاری عمومی و سیاست‌زدگی جناحی، در «جهت‌گیری» نفته است.

آیایی ثباتی مدیریتی در شهروا بیشتر ناشی از تغییرات سیاسی است یا ضعف نظام ارزیابی عملکرد؟

شهر، آیینه نظم و بی‌نظمی در حکمرانی است. در بسیاری از شهورها، تغییرات بی‌دربی مدیران و دگرگونی‌های ناگهانی در رویکردها، به پدیده‌ای نگران‌کننده بدل شده است. هنگامی که تغییرات با هدف ناموجه سیاسی به برکناری گسترده مدیران میانی و کارشناسان حرفه‌ای بینجامد، شهر در چرخه‌ای از آغازهای مکرر و ناتمام‌ماندن‌ها گرفتار می‌شود. هر مدیر تازه، با تیمی تازه و اولویت‌هایی تازه می‌آید و پیش از آن‌که تمره‌ای از برنامه‌هایش نمایان شود، جای خود را به دیگری می‌دهد. در چنین وضعی، سرمایه انسانی دچار ناامی می‌شود. از سوی دیگر، نبود یا ناکارآمدی نظام‌های ارزیابی عملکرد، زمینه‌ساز بی‌ثباتی است. در غیاب معیارهای شفاف، مدیر کارآمد نمی‌تواند با اتکا به عملکرد خود از جایگاهش دفاع کند، و مدیر ناکارآمد نیز ممکن است به پشتوانه روابط غیرحرفه‌ای در سمت خود باقی بماند. مدیران اجرایی باید بر اساس شاخص‌های قابل اندازه‌گیری سنجیده شوند. در چنین مدلی، تغییر قدرت لزوماً به برهم‌ریختن سازمان و کنارگذاشتن سرمایه انسانی نمی‌انجامد.

شهر نیازمند برنامه‌های بلندمدت در حوزه‌هایی چون حمل‌ونقل، محیط تصفیف شایسته سالاری است. تغییرات شتاب‌زده و مکرر در سیاست‌های مدیران، یکی از عوامل تضعیف شایسته سالاری است. شایسته‌سالاری در مدیریت شهری، حاصل توصیه‌های اخلاقی یا اراده‌ای مقطعی نیست؛ نیازمند معماری نهادی سنجیده و پایدار است. از شفافیت در انتصابات و ارزیابی عملکرد گرفته تا تقویت بدنه حرفه‌ای و نهادهای نظارتی، همه اجزای یک منظومه‌اند که باید هم‌زمان و هماهنگ عمل کنند. شهردمدان نیز باید در کنار همکاری مشترک و سرمایه نسل‌های آینده است. بامدیریتی

سیاسی

گزارش



گزارش میدانی «ایرنا» از قبرستانی ساکت، آهی بی پایان و داغی تازه...

اینجا بهشت زهرا

چهل روز بعد از فاجعه ۱۹ دی!

اینجا بهشت زهراست، مکانی آرام و ساکت، سکوئی که غمی عمیق را در خود نهفته است؛ غم مادران و پدران داغدار، غم همسران، خواهران و برادرانی که همچنان چشم انتظارند و کودگانی که رفتن مادر یا پدر را باور ندارند، اینجا مادران و پدران از غم فرزند به زانو درآمده‌اند و خاک همچنان تازه است و مادران آرام آرام فرزندان خود بر سنگ قبرها دست می‌کنند و عکس‌ها را در آغوش می‌گیرند. به گزارش ایرنا، صبح چهارشنبه ۲۹ بهمن، ۴۰ روز از ۱۹ دی ماه تلخ ایران گذشته است. با این‌طور که در چهلمین روز این واقعه، برخی خانواده‌ها مراسم خود را امروزی می‌گیرند، به بهشت زهرا(س) می‌آیند. تعداد زیادی نیروهای انتظامی و یگان ویژه مستقر هستند. از یکی از کارگران قبرکن بهشت زهرا(س) درباره اینکه چنانختگان اخیراً کجا دفن کرده‌اند می‌پرسیم و با هم ما را حواله قطعه ۲۲۹ می‌دهد. در قطعه ۲۲۹ تاریخ‌های روی قبرها را که مرور می‌کنیم، مشخص می‌شود درست آمده‌ایم. از دفن شدگان این قطعه یاداند کسانی که ۱۸ و ۱۹ دی جان باخته‌اند. سال تولد و فوت‌شان را که منهای می‌کنم، اکثرآ جوانند و زیر ۳۰ سال؛ برای برخی طی این مدت سنگ قبر هم گذاشته‌اند، می‌پرسیم و قبرشان نوشته: «گاهی برای ماندن باید همیشگی رفت.» روی قبر جوانی ۲۱ ساله نقشه ایران نقش بسته و این شعر: «به خون جگر زادم؛ به نام وطن دادم!»

در انتهای کوچه

بر سر یکی از مزارها، جمعیتی عزاداری می‌کنند، جوانی خوش سیمیا و خنده‌رو، بانویی مسن بر سر مزار پسر جوان بی‌قراری می‌کند و نام فرزندش را صدا می‌زند: «حمید جان، مادر کجایی؟ جوابم را بده، من مادرت هستم.» جوانی رشید و زیبا، مادر دست بر عکس جوان می‌گذد، نفسش بالا نمی‌آید، داغ فرزند، نفسی پریش باقی نگذاشته است. یکی از بستگان می‌گوید، او را در یک کوچه محاصره کرده بودند، حمید به خواهرش زنگ می‌زند و می‌گوید محاصره شده و دیگر از او خبری نمی‌شود، تیر به قلبش اصابت کرده و در دم جان باخته است. فضای غم حاکم در قبرستان، نفس‌ها را بند آورده است، این مرگ آرام نیامد، سنگین آمد، آنقدر سنگین که شانه‌های پدر خم شد بی‌آنکه اشک بریزد. این سوگ نه چهلیم می‌شناسد و نه سالگرد. اینها پدر و مادراهی هستند که زنده‌اند، اما زندگی نمی‌کنند، از جوانشان جا مانده‌اند، آن هم در اینستاگی که هیچ قطاری بر نمی‌گردد.

بهزاد با من قهری؟

کمی از طرف‌تر دیگر قبرستان ساکت نیست، آه مادری فضا را پر کرده است، مادری بسیار بی‌قرار، مدام بر سینه می‌کوبد و می‌گوید: بهزاد مادر بلند شو، صایدت می‌کنم چرا جواب نمی‌دهی، من قهری مادر، نان آورم بلند شو، مگر ندیدی که چقدر به سختی تو را بزرگ کردم؟ جگرم می‌سوزد، قلبم می‌سوزد، ۴۰ روز است که تلذنت را جواب نداده‌ای، مادر دل بلند شو... خواهران بهزاد وحیدی و متولد سال ۱۳۴۷ است، دستان مادر را می‌گیرند که خودزنی نکند، مادری که دستان و صورتش زار زخم است، زخم فراق و داغ فرزند. کسی حرفش مادر نمی‌شود، مادر می‌گوید، نمی‌گذاری در خانه گریه کنی برای پسرم، بگذاردی فریاد بیزم، بگذاردی گریه کنم، پسرم...

سپهر بابا

این سسو سپهر شکرکی خفته است، پسری ۱۹ ساله که به «سپهر بابا» مشهور شده و بالای قبرش هم نوشته شد: «سپهر بابا کجایی؟ مزارش بر از گل است، مردم اینجا بیشتری می‌آیند و مزارش را گلباران کرده‌اند. گویا روز قبیل چهلمش بوده می‌کند، برادرش مزارش را تمیز می‌کند و ریز می‌گیرد، دلش می‌لرزد برای برادر کوچک‌ترش که دیگر ندادش. می‌گوید یک گلوله جنگی به سمت کپه‌اش شلیک کرده بودند. مادرم عزادار اوست و دیگر توانی ندارد. او هر شب پسرش را دوباره از دست می‌دهد و هر صبح امید را، غم والدین، سن ندارد، کهنه نمی‌شود، کم نمی‌شود.

این گل پرپر شده، هدیه به ملت شده

سوار ماشین می‌شویم و آن طرف‌تر می‌رویم. کولشه قطعه، بنر عکس جوانی را گذاشته‌اند و بالایش نوشته شد: «این گل پرپر شده، هدیه به ملت شده» یک بانند بلندگو هم گذاشته‌اند که سرودهای غمناک و ملی پخش می‌کند. جوان متولد سال ۱۳۸۲ بوده، خواهرش مزارش را با گل‌های رنگارنگ و شمع‌های سیاه تزئین می‌کند، برادرش مزارش را تمیز می‌کند و ریز می‌گیرد، دلش می‌لرزد برای برادر کوچک‌ترش که دیگر ندادش. می‌گوید یک گلوله جنگی به سمت کپه‌اش شلیک کرده بودند. مادرم عزادار اوست و دیگر توانی ندارد. او هر شب پسرش را دوباره از دست می‌دهد و هر صبح امید را، غم والدین، سن ندارد، کهنه نمی‌شود، کم نمی‌شود.

سروده شد. به نوشته میدری، نزدیک به هشتاد سال است که ایرانیان و بسیاری از مردم جهان آمریکای دیگری می‌شناسند. ایران تنها کشوری نیست که آمریکا با کودتا در آن دست به مداخله زد؛ شمار این کشورها حدود ۲۵ کشور است. مداخلات و جنگ‌هایی مانند ویتنام و کشتار کودکان در غزه و امروز حمله به ونزوئلا و برنامه‌های خزانده ایران یک آمریکایی بود، ولیام مورگان شوستر سوم (William Morgan Shuster III). آمریکایی دیگر، آرتور میلیسبو (Arthur Millspaper) بود؛ حقوق‌دان و در تیزر در مقابل استبداد ایستادی کردند

کارشناس مالی آمریکایی که در سال‌های ۱۹۲۲-۱۹۲۳ و ۱۹۴۵-۱۹۴۲ برای اصلاح مالی به استخدام دولت ایران درآمد. می‌داند خزاندهار محرم اسرار یک کشور است که نشان از اعتماد ایرانی‌ها به آمریکایی‌های آن دوره دارد. سروده‌های ماندگار انقلاب مشروطه نوحه‌ای است که در ایام عاشورا خصوصاً در جنوب ایران می‌خوانند؛ نوحه سیمید گل سرخ یک گل نضرانی. این شعر به یاد شهادت سیمید ایرانی و یک آمریکایی که در تیزر در مقابل استبداد ایستادی کردند

تمدن است» در گاردین، به تاریخ ۱۶ دی‌ماه کاملاً موقافم. وظیفه جامعه متمدن دفاع از مظلوم در برابر ظالم است. در ادبیات دینی این امر به عنوان یک دستور آمده است «کونوا للمظلوم عوناً» یاور مظلومان باشید. آمریکایی که مردم ایران قبل از جنگ جهانی دوم می‌شناختند جامعه‌ای متمدن بود. پس از انقلاب مشروطه (۱۹۰۵) اولین خزانده ایران یک آمریکایی بود، ولیام مورگان شوستر سوم (William Morgan Shuster III). آمریکایی دیگر، آرتور میلیسبو (Arthur Millspaper) بود؛ حقوق‌دان و

خبر

احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی ایران به یادداشت «رابرت ریچ» وزیر اسبق کار آمریکا در روزنامه گاردین که ترامپ را تهدید می‌علیه تمدن بشری خوانده، پاسخ و توضیح داده که چگونه چهره آمریکا نزد ایرانیان تغییر کرده است.

میدری نوشته است: با پیام یادداشت هشدار دهنده شما؛ «ترامپ تهدیدی است

زیرساخت‌های روستایی، اشتغال‌زایی، معرومیت‌زدایی و حمایت از طرح‌های اقتصادی خرد مورد بررسی قرار گرفت و بر تسریع در اجرای پروژه‌های اولویت‌دار تأکید شد.

گزارش

باگشت به ریل اصلی توسعه و پویا کردن اقتصاد مناطق روستایی و کم‌برخوردار بویژه در جنوب کرمان، تنها از مسیر ایجاد اشتغال امکان‌پذیر است؛ راهبردی که معاون رئیس‌جمهور در امور توسعه روستایی و مناطق محروم ، در سفر سه‌روزه خود به استان کرمان با تخصیص بیش از ۳۵۰ میلیارد تومان برای ۳۰ طرح اشتغال‌زایی و احیای واحدهای راکد عملیاتی کرد. این تیزرق مالی هدفمند در شهرستان‌های راور، بافت، رابر، جیرفت، جازموریان، کهنوج و قلعه‌گنج، بخشی از برنامه جامع دولت چهاردهم برای تبدیل ظرفیت‌های خام منطقه به زنجیره ارزش افزوده، محوریت‌زدایی پایدار و حمایت از طرح‌های اقتصادی خرد است که با حضور میدانی در پروژه‌های عمرانی و دیدار با نخبگان محلی و علمی اهل‌سنت پیگیری می‌شود.

«عبدالکریم حسین‌زاده» معاون رئیس‌جمهور در امور توسعه روستایی و مناطق محروم، در جریان سفر سه‌روزه خود به استان کرمان با حضور در شهرستان‌های راور، بافت، رابر، جیرفت، قلعه‌گنج، جازموریان و کهنوج از طرح‌های عمرانی، اقتصادی و ظرفیت‌های توسعه‌ای این مناطق بازدید کرد.

در جریان این سفر، موضوعاتی نظیر توسعه

نامه احمد میدری به وزیر اسبق کار آمریکا

چهره آمریکا چگونه نزد ایرانیان تغییر کرد؟

خبر

احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی ایران به یادداشت «رابرت ریچ» وزیر اسبق کار آمریکا در روزنامه گاردین که ترامپ را تهدید می‌علیه تمدن بشری خوانده، پاسخ و توضیح داده که چگونه چهره آمریکا نزد ایرانیان تغییر کرده است.

میدری نوشته است: با پیام یادداشت هشدار دهنده شما؛ «ترامپ تهدیدی است